

توسعه پایدار و مسؤولیت برنامه‌ریزان شهری

در قرن بیست و یکم

اثر: دکتر کرامت الله زیاری

دانشیار دانشگاه یزد

(از ص ۳۷۱ تا ۳۸۵)

چکیده:

نظریه توسعه پایدار، در دهه پایانی قرن بیستم، در پی شکست مکاتب مختلف برنامه‌ریزی از جمله مدرنیسم و پسامدرنیسم، در عدم توانایی به شرایط مطلوب زندگی و آثار مخرب بر محیط زیست جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی پا به عرصه وجود گذاشت. بی‌شک برای نیل به مبانی پایه‌ای این نظریه نقش استراتژیک دولتها در برنامه‌ریزیها و سیاست صحیح کاربری اراضی ضروری است.

برنامه‌ریزی شهری قرن بیستم در حالی پایان می‌یابد که نه تنها این برنامه‌ریزی مثبت ارزیابی نمی‌گردد، بلکه چهره‌ای نازیبا در برابر محیط زیست شهری عرضه نموده و با فرهنگ فن‌گرایی ساختارهای زیستی و اجتماعی را نشانه رفته است، که پیامدی جز ناپایداری و عدم تعادل در زیرساخت‌های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی نداشته است. این مقاله ضمن پرداختن به چارچوب اصولی توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری، با عبرت‌گیری از گذشته و درخواست تجدید نظر در مبانی نظری برنامه‌ریزان حرفه‌ای، منشوری واحد برای برنامه‌ریزان شهری در قرن بیست و یکم ارائه خواهد داد و نوعی شهرهای فشرده و یا دهکده‌های شهری را پیشنهاد می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، شهر اکولوژیک، شهر پایدار، محیط

زیست شهری.

مقدمه :

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، بحران برنامه‌ریزی شهری در اکثر نقاط جهان ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است. در جوامع سرمایه‌داری غرب، وعده آرمان شهر مدنی و تعالی انسان از طریق همکاری شرکتها، دولتها و مردم به نتیجه نرسیده است. در بلوک شرق، وعده‌های ایدئولوژی کمونسیم در کسب جهانی مادی و معنوی، در عمل توهمی بیش نبوده است. بدین ترتیب دو تفکر سرمایه‌داری و اشتراکی، به همراه مکاتب مختلف مدرنیسم، فرامدرنیسم، فن‌گرایی و... نتوانست آمایش انسانی را فراهم آورد؛ بلکه تخریب شدید در محیط زیست شهری و ناحیه‌ای، عدم تعادل، تمرکزگرایی شدید، گسترش بی‌رویه شهرها، کمبود سرپناه و شکاف عمیق در تمام سطوح را موجب گردید.

اینک فن‌گرایی جدید در خلق برنامه‌ریزی حرفه‌ای که حاصل علم خردگراست، محیط زیست شهری را به نابودی کشانده و شهرها را که زمانی کانونهای آسایش، زیبایی، امنیت، پایداری، روابط اجتماعی - فرهنگی و هنری بوده بی‌هویت و ملال آور نموده است.

این مقاله ضمن بیان مسئله اصلی برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم، به ارائه نظریه توسعه پایدار به عنوان جایگزین مکاتب قرن بیستم، نوعی برنامه‌ریزی شهری را با منشوری خاص برای قرن بیست و یکم ارائه می‌نماید.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. ابتدا با بررسی منابع مبادرت به تدوین نظریه‌ها و مبانی کار می‌گردد، آنگاه با توجه به تجربیات عینی به تحلیل موارد پرداخته می‌شود.

نظریه توسعه پایدار

واژه توسعه پایدار (Sustainability Development) را اولین بار بطور رسمی «براندت‌لند» (Brandt Land) در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ شمسی) در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح کرد.

این واژه در مفهوم گسترده آن به معنی «اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به طور مستمر و رضایت بخش» امکان پذیر می‌شود (مکتون، ۱۳۷۴، ص ۵). توجه به مسائل زیست محیطی در سطح جهان، پس از تشدید فعالیتهای آلوده‌کننده در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی) آغاز شد. در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط زیست گرفت. به دنبال آن، اولین کنفرانس جهانی در ژوئن ۱۹۷۲ (مرداد ۱۳۵۱) در استکهلم برگزار شد. حاصل کار کنفرانس، صدور بیانیه محیط زیست انسانی و برنامه عملی و ۱۰۶ توصیه‌نامه بود که در تمام آنها وابستگی انسان به محیط زیست و چگونگی شکل دهی آن بیان شده است. از جمله مسائل مورد توجه این کنفرانس استفاده منطقی از منابع، کاهش آلودگی، آموزش همگانی برای حفاظت از محیط زیست، تحقیقات زیست محیطی و تأسیس سازمانهای بین‌المللی زیست محیطی است.

در نتیجه این کنفرانس، کمیته محیط زیست تأسیس شد. این کمیته به ریاست براندت‌لند، مسائل و برنامه زیست محیطی جهان را بررسی و در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ شمسی)، گزارش «آینده مشترک ما» را به سازمان ملل ارائه کرد.

در دسامبر ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جواب به گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه را در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱ شمسی) به تصویب رساند.

در ژوئن ۱۹۹۲ (خرداد ۱۳۷۱ شمسی) همزمان با بیستمین سالگرد کنفرانس استکهلم، کنفرانسی با حضور سران کشورها در ریو (برزیل) برگزار شد. این کنفرانس که «کنفرانس زمین» (Earth Summit) نامیده شد، فعالیت‌های بیست ساله بین‌المللی و ملی را در زمینه‌های زیست محیطی را ارزیابی کرد. دستاورد این کنفرانس، ارائه نظریه «توسعه پایدار» است.

این نظریه، نیازهای کنونی بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی در برآوردن نیازهایشان، تعریف شده است. در این تعریف حق هر نسل در برخورداری از همان مقدار سرمایه طبیعی که در اختیار نسلها به رسمیت شناخته شده و با استفاده از سرمایه طبیعی در حد بهره آن (و نه اصل آن که موجب نابودی سرمایه طبیعی است)، مجاز شمرده شده است.

به بیان دیگر توسعه پایدار در بهره‌برداری از داده‌های طبیعی محدود به حد باز تولید و جبران طبیعی آنهاست. در غیر این صورت، موازنه منفی در بهره‌برداری از سرمایه طبیعی به کاهش تدریجی آن می‌انجامد و توسعه را ناپایدار می‌کند. این همان وضعیتی است که به اصطلاح توسعه کنونی با تکیه بر رشد اقتصادی بوجود آورده است.

البته دیدگاه‌های اقتصادی نئوکلاسیک و تفکرات فن‌گرایی که در جایگزینی سرمایه طبیعی با سرمایه‌های مصنوع را ممکن می‌سازد، در مسیر توسعه کنونی مهم بوده است؛ که در این ارتباط هزینه‌های زیست محیطی و تخریب روند اکولوژیکی که اساساً با هیچ منفعتی قابل جبران نیست، نادیده گرفته شده بود.

در واقع سیاست‌های اصولی توسعه پایدار در چهار مقوله زیر قابل تقسیم است (Hardoy 1992, pp.3-5):

۱- به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی تجدیدنپذیر (مانند سوخت‌های فسیلی و منابع کافی).

۲- پایدار ساختن مصرف منابع طبیعی تجدیدنپذیر (مانند آب‌های زیرزمینی،

خاک و گیاهان).

۳- نگهداشتن حد تولید ضایعات و آلودگیها در میزان ظرفیت جذب محلی و جهانی (مانند گازهای گلخانه‌ای، مواد شیمیایی نابودکننده اوزون و زباله‌های سمی).

۴- تأمین نیازهای پایه انسانی و اجتماعی (مانند دسترسی به ابزار معیشت، داشتن حق انتخاب، مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و دسترسی به محیط سالم و خدمات پایه).

این نظریه بعداً در ابعاد شهری و ناحیه‌ای تعمیم داده شد.

نظریه توسعه پایدار شهری

نظریه توسعه پایدار شهری، حاصل بحثهای طرفداران محیط زیست دربارهٔ مسائل زیست‌محیطی بخصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریهٔ «توسعه پایدار» برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. توسعه پایدار شهری نیازمند شناسایی محدودیتهای محیطی برای فعالیت‌های انسانی در ارتباط با شهرها و تطبیق روشهای طراحی در این محدودیتهاست.

در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن ضایعات به منابع تجدیدناپذیر مطرح است (Blowers 1994, p.). نظریه توسعه پایدار شهری موضوعهای جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیتهای تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه‌ریزیهای شهری، روستایی، ناحیه‌ای و ملی که برابر با قانون، کنترل کاربریها و کنترل بیشتر در شهر و روستاست می‌داند. این نظریه به مثابه دیدگاهی راهبردی، به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولتها باید از محیط زیست

شهری حمایت همه جانبه‌ای کنند. (Clark, 1992, pp. 140-147)

این نظریه، پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاهها، الگوی موثر حمل و نقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند.

در یک دید اجمالی مبانی نظری مفهوم پایداری در شهر و ناحیه شامل این موارد می‌شود: کاهش آلودگی، نگهداری منابع طبیعی، کاهش حجم ضایعات شهری، افزایش بازافتها، کاهش انرژی مصرفی، ایجاد جامعه جنگلی و درختان شهری و نواحی سبز، توسعه شهرهای کوچک برای کاهش اتکاء به شهر بزرگ، کاهش فواصل ارتباط، ایجاد اشتغال محلی، توسعه متنوع مسکن در مراکز اشتغال، ساختار اجتماع متعادل، حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک جاده‌ای (Brehany, 1994, p. 46)، مدیریت ضایعات بازافت نشدنی، توزیع منابع و تهیه غذای پایدار محلی (Edward 1991, pp. 218-349).

به این طریق اولاً با جایگزینی منابع و نوسازی آنها، اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین بالا می‌رود، ثانیاً با توجه به برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای و ساماندهی فضا (Herbert, 1992, pp. 177-181)، توسعه پایدار شهری حاصل می‌شود.

این نظریه راه رسیدن به این الگوها را از طریق برنامه‌ریزی‌های شهری، روستایی، منطقه‌ای و ملی در راستای نقش قانون و کنترل کاربریها می‌داند. این نظریه به عنوان دیدگاهی استراتژیک به نقش دولت در این برنامه‌ریزیها زیاد اهمیت قابل است و معتقد است، دولت باید از محیط زیست شهری حمایت گسترده‌ای نمایند.

برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار

از آنجا که قرن حاضر و به ویژه ۲۵ سال گذشته شاهد تحولات بی سابقه‌ای در زمینه‌های گوناگون سیاسی، علمی، فنی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و کاربری

زیستی، بوده است؛ انقلاب فراگیر ارتباطی و اطلاعاتی، نفوذ انسان به اعماق دور دست و قلب اتمها و مولکولها، پیشرفت سلاحهای هسته‌ای و فوق مدرن و رشد شتابان و لجام‌گیسخته جمعیت، استفاده بی حد از منابع طبیعی و غیره همگی نتایج فرآیند تمدن بشری در این قرن است. در این میان برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری نتوانسته است نهضت زیباسازی شهری را بیافریند (Blowers 1997, p. 10).

در این ارتباط مکاتب مختلفی همچون مدرنیسم با توجه اقتصادی از سرمایه‌داری کینز، صنعتی‌فوردیسم، مذهبی پروتستانیسم، و روشهای علمی - عینی، کلیه شئون زندگی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است و هیچکدام از نهضت‌های شهرسازی نظیر کلان پیگرگرای، متابولیسم شهری، ساختارگرایی، رفتارگرایی، نمادگرایی، انسان‌گرایی، طبیعت‌گرایی، آمایش انسانی، توان مقابله با مدرنیسم را نداشته است و اغلب در حد نظریه باقی مانده‌اند. به جرأت می‌توان گفت شهرسازی قرن بیستم را از جنبه‌های عملی و اجرایی مدرنیسم شکل داده است و بیشترین ضربه را بر محیط ریست وارد آورده است.

در این میان مهبای شرایط زندگی سالم، کارکرد مؤثر شهرها، محافظت از محیط مصنوع و طبیعی، تعادل میان سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و خصوصی، استفاده کارا از منابع که در گذشته در برنامه‌ریزی شهری سنتی مرسوم بوده، در برنامه‌ریزی شهری کلاسیک به چشم نمی‌خورد. لذا انتقادهایی از برنامه‌ریزی شهری کلاسیک در زمینه‌های: سیاسی، تکنیکی، طرح، فرآیند، حرفه، جنبه‌های رقابتی، مسکن، فقر مسکن، ایجاد اجتماعات اقلیت نژادی، منطقه‌بندی، عدم توجه به تنوع‌گرایی و... گردیده و اغلب صاحب‌نظران شکست آن را اعلام نموده‌اند (Soja, 1986, p. 249).

در دنیای امروز بیشتر از یک میلیارد نفر فاقد سرپناه مناسب‌اند که بیشتر آنها در شهرهای جهان سوم زندگی می‌کنند (UNC, 1991, p. 10).

تخمین زده شده که بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ حدود ۷۰۰ میلیون نفر به

جمعیت جهان اضافه شده که ۸۰ درصد آنها در مناطق شهری زندگی می‌کنند (UN, 1991, p. 10).

در سال ۱۹۶۰ هشت تا از ده منطقه شهری جهان در جهان اول بوده، اما در سال ۲۰۰۰ هشت تا از ده شهر بزرگ جهان در آسیا و آمریکای جنوبی قرار دارد. لُو (Lowe) معتقد است که ۷۰ تا ۷۵ درصد مسکن جدید در شهرهای جهان سوم غیررسمی اند. تراکم زیاد، عدم وجود آب لوله‌کشی، بی‌نظمی فرمها، مناطق حاشیه‌نشین، مناطق فقیرنشین و... از این قبیل اند. این مسائل از نتایج برنامه‌ریزی شهری قرن بیستم و مکاتب مبتنی بر آن است (Lowe, 1992, p. 38).

از آنجا که برنامه‌ریزانی همانند «هاورد»، «گدس»، «شارب»، و «ابراکرامبی» مشروعیتی خاص در برنامه‌ریزی شهری بین‌الملل کسب نمودند. لذا در قرن ۲۱ باید برنامه‌ریزان شهری جدید، چنین مشروعیتی را بدست آورند. آنها باید به مثابه یک اصلاح‌گر اجتماعی، خردگرای تکنیکی، نظم‌گرا، گفتگو‌گرنو، مدیر محیط زیست، ایجاد ساختهای پایدار، مشارکت‌گرا، ایجاد‌کننده فرصتهای برابر، متعهد به فشارهای اجتماعی سیاسی اقتصادی در هر زمان عمل نمایند. برنامه‌ریزان شهری قرن ۲۱ به عنوان رهبران حرفه‌ای باید دارای «چشم استراتژیک» باشند. چون آنها سهم عمده‌ای در ساختار تمدن‌ها دارند (Siddiq, 1992, p. 10).

دستور جدید محیط زیست مبتنی بر توسعه پایدار، یک فرصت استثنایی برای برنامه‌ریزان در کسب رقابت در مدیریت محیط زیست بوجود آورده است. بنابراین باید یک دریچه سیاسی پایدار برای برنامه‌ریزان شهری حرفه‌ای گشوده شود. اما آیا آنها توانایی رسیدن به چنین نقشی را دارند؟ اگر تئوری اصولی برنامه‌ریزی معاصر با دستورات پایداری همخوان شود، می‌توان به نتایج این توانایی امیدوار بود. چون برنامه‌ریزان باید به دانش کنترل سیستمهای اداری و طراحی در محیط مجهز شوند. برنامه‌ریزان حرفه‌ای شهری باید به عنوان «شبه قاضی»، «ارائه‌دهنده روش‌های بدیع»، «وضع‌کننده قوانین مناسب»، «رهبری و مدیریت محیط زیست»، «شغل

آفرین» و «ایجادکننده رفاه» باشند. برنامه‌ریزان باید یک فضای فرهنگی خلق نمایند تا در گفتگوها، صحبت‌ها شنیده شود و در حمایت از توسعه پایدار و پایداری؛ ضمن رعایت نظریه اخلاقی به سیاست کاربری اراضی مناسب دست یازند (Mazd, 1996, pp. 15-30).

روشن است حل بخشی از این مسائل، نیازمند توجه به تشکیلات تخصصی، ساختار آموزشی و برنامه‌های اجرایی مناسب دارد، تا افرادی برای این رشته آماده شوند، و حلقه اتصال میان توسعه پایدار و حرفه برنامه‌ریزی شهری برقرار گردد. در واقع برنامه‌ریزان باید در راستای اصول و چارچوب برنامه‌ریزی محیطی و توسعه پایدار حرکت نمایند. سیستم برنامه‌ریزی کاربری اراضی فعلی باید دگرگون شود و اصول و سیاستهای برنامه‌ریزی کاربری اراضی از سطح جهانی به منطقه‌ای و محلی تعمیم داده شود. نقش دولتها و مشارکتهای مردمی در این حرکتها قابل توجه است؛ به نحوی که موانع ایدئولوژیکی هم در این ارتباط باید برطرف گردد (Owen, 1994, p. 139). لذا یکپارچگی در برنامه‌ریزی‌های صنعتی، اداری و غیره در سطح ملی و محلی ضروری است. در این میان باید بهینه‌ترین استانداردها برای کیفیت محیط زیست طراحی شده و بهترین تکنیکها برای کنترل آلودگی‌ها فراهم گردد (Rydin, 1995, p. 369).

براین اساس، برای برنامه‌ریزی شهری قرن بیست و یکم باید منشوری ارائه شود. در این منشور ابداع یک سیستم کارای برنامه‌ریزی محیطی در شهر باید مبتنی بر موارد زیر باشد:

- ۱- برای حرکت از سیستم برنامه‌ریزی شهری موجود به یک سیستم برنامه‌ریزی شهری کارای مطلوب ضروری است موانع قانونی نیل به آن کاهش یابد.
- ۲- باید در سیستم برنامه‌ریزی شهری کیفیت اجتماعی بهینه کالبدی بوجود آید.
- ۳- هدف مرکزی یک سیستم برنامه‌ریزی کارای محیطی باید کاهش وابستگی به ماشین و اتکاء منطقی به حمل و نقل عمومی باشد.

- ۴- هدف مرکزی یک سیستم برنامه‌ریزی کارای شهری باید کشمکش به جستجوی حلق مکانهای زیبا، سالم و امن برای زندگی باشد.
 - ۵- هدف مرکزی یک سیستم برنامه‌ریزی کارای شهری باید نزدیکی محل کار و زندگی در حومه‌های باصفا باشد.
 - ۶- در برنامه‌ریزی شهری جدید باید تناسب و هماهنگی میان شهرنشینی و نظامهای طبیعی بوجود آید.
 - ۷- در برنامه‌ریزی شهری جدید باید به هویت شهری توجه خاص مبذول گردد.
 - ۸- در برنامه‌ریزی شهری جدید باید شکل شهر جوابگوی نیازها و رفتارهای متحول جامعه باشد.
 - ۹- در برنامه‌ریزی شهری جدید باید ساماندهی و بهسازی بافتها براساس پایداری و ارزشهای فرهنگی صورت پذیرد.
 - ۱۰- در برنامه‌ریزی شهری جدید باید به ضایعات انرژی و مصرف بهینه آن توجه کافی شود.
 - ۱۱- در برنامه‌ریزی شهری جدید باید به نقش انرژی‌های جدید بخصوص انرژی‌های خورشیدی و باد توجه اساسی گردد.
- بدیهی است، برنامه‌ریزی و طراحی «شهر اکولوژیک» و «شهر پایدار» جزء مسئولیت برنامه‌ریزان شهری در قرن بیست و یکم خواهد بود.

شهر اکولوژیک

مفهوم شهر اکولوژیک، رعایت ملاحظات زیست محیطی در توسعه و ادامه حیات شهر است، به نحوی که محدودیتهای اجتماعی در برابر انسان متناسب آنچه طبیعت ایجاد نموده باشد (Bookchin, 1982, p. 140).

در شهر اکولوژیک، بدون تخریب طبیعت زندگی معنی دارد؛ لذا شهر برای لذت شهرنشینان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در این شهر منطقه جغرافیایی تنها

براساس مرزهای طبیعی تعیین می‌شود (Crombie, 1989, p. 18) و هر منطقه در مجموع خودکفاست و نوعی جامعه اورگانیک برقرار است. در شهر اکولوژیک کل کارکرد شهری در فواصل سازگار و بهینه پیاده قرار می‌گیرد بنابراین وسایل نقلیه موتوری محدود گردد (Harvey, 1989, p. 18).

بدیهی است کاربریهای مختلف، مبتنی بر تلفیق عملکردهای مسکونی و اشتغال است؛ تا میزان رفت و آمد در شهر کاهش یابد. ایده «شهر فشرده» (Compact City)، «دهکده‌های شهری» (Urban villages) (Aldous, 1992, p. 27)، و «طراحی شهری زیرزمینی» (Golany, 1996, p.50) جزء مبانی نظری شهر اکولوژیک است تا مردم پیاده به سرکار یا محل خدمات حمل و نقل عمومی بروند.

در واقع شهر اکولوژیک مبتنی بر طراحی اکولوژیک یعنی ادغام فرآیندهای زنده و کاهش آثار تخریب زیست محیطی قرار دارد (Vander 1996, p.52). این الگو به سلامت، زیبایی، آسایش، امنیت، عوارض فرهنگی و سنتها در توسعه فشرده و متنوع احترام خاصی قائل است.

سه عنصر مهم اکولوژیکی، مردم، اقتصاد و محیط باید زبان طراحی جدید شهری در قرن بیست و یکم باشد (Sale, 1991, p.52).

طراحی اکولوژیکی با مفهوم پایداری باید همخوان باشد. براین اساس نوع طراحی باید از اصول زیر تشکیل شده باشد:

- ۱- محلی بودن راه‌حلها.
- ۲- توجه به جنبه‌های اکولوژیکی در طراحی.
- ۳- طراحی با طبیعت و حداقل دخالت در طبیعت.
- ۴- طراحی با مردم.
- ۵- مرئی کردن طبیعت.
- ۶- الهام از هندسه طبیعت.
- ۷- حداقل به عنوان یک نظام بسته.

۸- تعادل بهینه بین جمعیت و منابع.

۹- کاهش حداقل توسعه افقی.

۱۰- حفظ سنتهای فرهنگی.

بدین ترتیب طراحی شهری قرن ۲۱ اجتماع‌گرا، مقیاس کوچک، محلی، تکنولوژی مناسب، انسان‌گرا، توجه به استفاده‌کنندگان، توجه به زمینه و فرهنگ، هزینه کم، طراحی از پایین به بالا، جامع و فراگیر و آزادی خواهانه خواهد بود و از منابع موجود منطقه خود بهره‌برداری می‌نماید.

شهر پایدار

مبانی نظری برنامه‌ریزی «شهر پایدار» مبتنی بر حفاظت از اراضی، الگوی توسعه پایدار شهری، زیربنای مفید، تجدیدنظر در شکل شهرها، کنترل رشد، صرفه‌جویی در انرژی ساختمانی، تراکم متعادل، تغییر در کاربریها، حفظ فرهنگ و سنت و ارزشها، روی‌آوری به مصالح و هنرهای بومی، طراحی بر مبنای عابر پیاده، استفاده از دوچرخه، استفاده کارا تر از زمین، استفاده بیشتر از اراضی درون شهر و بافتهای خالی، استفاده جدید از بناهای قدیمی، احیاء اراضی تخریب شده، دوری از مکانهای دارای آسیب از قبیل مسیله‌ها و فرسایش و لغزش و گسل، ...، پایداری مسکن، توجه به شبکه‌ای پیوسته از فضاهای سبز محله‌ای و ناحیه‌ای در شهر، ایجاد باغچه‌های شهری است. این نظریه تلفیقی از مکتب طبیعت‌گرایی و توسعه پایدار و فرهنگ‌گرایی با استحکام مبتنی بر تکنولوژی و سازه‌های قوی را پیشنهاد می‌کند.

اقتصاد شهر پایدار باید متکی بر اشتغال‌زایی، صنعت و تجارت پایدار بدون تأثیر نامطلوب در طبیعت باشد. لذا حداقل آلودگی، مصرف کم انرژی از اصول شهر پایدار است.

شهر پایدار از نظر مدیریتی مبتنی بر چگونگی اتخاذ سیاستهای سرمایه‌گذاری و

تصمیم‌گیریها برای آینده شهر خواهد بود. در شهر پایدار از مدیریت گسترش بزرگراهها به عنوان فاکتوری در توسعه بی‌رویه شهر جلوگیری می‌شود، چون هرچه شهر بزرگتر باشد از اطراف خود بیشتر طلب می‌کند و خطر تخریب محیط زیست افزایش می‌یابد (Douglas, 1983, p. 75). بنابراین برنامه‌ریزان و مدیران شهری، نظام شهری را به عنوان یک کل در نظر گرفته تا کالبد شهر بر محیط طبیعی و بیوسفر منطبق باشد. بزرگتر شدن شهر، مهاجرت، مسئله کمی و کیفی آب، بهره‌برداری از سفره آبهای زیرزمینی، آلودگی هوا، سلامتی شهروندان، طولانی شدن سفرهای دورن شهری، پرهزینه بودن زیرساختها و تخریب اراضی را به همراه خواهد داشت. بدیهی است سه عامل مشکل‌آفرین را آب، مواد زاید و آلودگی هوا می‌توان ذکر نمود (Wolm, 1965, p. 66). اندازه بهینه شهر پایدار مبتنی بر تعادل محیط، بیوسفر با جمعیت و اقتصاد و اشتغال است.

نتیجه:

نظریه توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری مستلزم تغییر زیرساختهای سیاسی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی است. باید مدیریت توسعه منطقه‌ای و شهری بر مبنای چارچوب اصول توسعه پایدار فراهم گردد و برنامه‌ریزان شهری از آثار مخرب مدرنیسم و فرامدرنیسم بر شهرها و شکست آنها در مبانی نظری خود تجدیدنظر نموده و منشور پایداری را در شهرها و برنامه‌ریزیها مدنظر قرار دهند. برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرن بیست و یکم باید طرحهای جامع مبتنی بر حوزه‌های آماری را کنار گذاشته و شکست آنها را اعلام نمایند. لذا در پی ارائه طرحهای شهری به مدت حداقل یکصد سال و در ارتباط با محیط بومی و طبیعی قدم بردارند. آنها باید به یک پتانسیل سنجی برای شهرها در زمینه حفظ جمعیت متناسب با منابع و اقتصاد و فرهنگ دست یازند. مسئله بخشودگی مالیاتی برای فعالیتهای هماهنگ با محیط، حمایت مالی از فعالیتهای، وضع قوانین و مقررات

دقیق‌تر و برنامه‌های آموزشی در حرکت آینده ضروری است.

منابع:

- ۱- مکنول، رضا. (۱۳۷۴). توسعه پایدار، مجله بنا، شماره ۱، تهران، ص ۵.
- 1- Aldous, T. 1992. Urban Villages, Urban Villages Group, London.
- 2- Blowers, Andrew. 1994. Planning for Sustainable Environment, A Report the Town and Country Planning Association, London, Earthscan Pub.
- 3- Bookchin, N. 1982. The Ecology of Freedom, The Emergence and Dissolution of Hierarchy, Palo Alto, Cheshire Books.
- 4- Brehany, Micheal, and Ralph Rockwook. 1994. Planning The Sustainable City Region, London, Earthscan Pub.
- 5- Blowers, Andrew, and Bob Evans. 1997. Town Planning into The 21.st Contrury, Routledge, London.
- 6- Clark, Micheal. 1992. A Sustainable Economy, London, Earthscan.
- 7- Crombie, D.1992. Regeneration, Toronto's waterfront and the Sustainable City, Final Report, Ottawa, Ministry of Supply and Services.
- 8- Douglas, I. 1983. the Urban Environment, London, Edward Arnold.
- 9- Edward, Lemon, and John E. Cox. (1991). Sustainable Urban Development, Strategic Consideration For Urbanization Nation, Ekistics, Vol 58, No. 2, PP. 218-349.
- 10- Golany G.S.1996.Geo-Space Urban Design, NewYork, John willey and sons.
- 11- Hardoy. J. 1992. Sustainable Citis, Environment & Urbanization, Vol. 4, No.2, P.3-10.
- 12- Harvey, D. 1989. The Condition of postmodernity, Oxford, Basil Blackwell.
- 13- Herbert, Girardet. 1992. New Direction For Sustainable Urban Living, London, Gaia Book, Limited.
- 14- Lowe, M.D. 1992. Shapping Cities, in Brown, State of The World, A World watch. Institute Report on Progress, Toward A Sustainable Society, Earthscan, London, P. 1-65.
- 15- Mazza, k. and Rydin, R. 1996. Urban Sustainability, Actors, Discourses, Networks and policy Tools, progress in planning.

- 16- Owen, S.E, Land. 1994. Limits and Sustainability, A Conceptual Framwork and Some Dilemmas For the planning System, Transaction of the Institute of the British Geograpers.
- 17- Rydin, y. 1995. Sustainability Development and the Role of Land use planning, Report.
- 18- Sale, K. 1991. Dwellers. in the Land, the Bio - Regional Vision, Philadelphia, New Society.
- 19- Siddiq, M. 1994. Evaluation of Approved private Sites and Sservices Schemes in Faisalalabad, Department of City and Regional planning, University of Engineering and Technology, Lahore.
- 20- Soja, E, and Scott, A. 1986. Lous Angeles Capital of The Late Twentieth Century, Environment and Planning.
- 21- United Nation Centre For Human Settlement. 1990. Global Strategy For Shelter To The Year 2000, Habitat, Nairobi, pp. 1-60.
- 22- United Nation, World Urbanization Prospects. 1990. 1991. Estimats and Projeztions Agglomerations, United Nations, New York, pp. 1-50.
- 23- Vander Ryn, S. and Stewart, C. 1996. Ecological Design, Washington D. C Island press.
- 24- Wolm, A. 1965 the Metabolism of Cities, Scientific American, London.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی